

زمینه‌های عمده فعالیت علمی جیمز بوکانان

برنده جایزه نوبل اقتصاد (۱۹۸۶)

محمد حسین تمدن *

یک قرن پیش مطالعه مردم در "اقتصاد سیاسی" بود، ولی امروز "علم اقتصاد" و "علم سیاست" را بررسی می‌کنند. تخصصی شدن بیشتر که محصول این تغییر می‌باشد از بعضی لحاظ دارای امتیازاتی است. با اینهمه در بررسی مالیه عمومی یک ملت، تغییر مزبور اثر قهقرائی داشته است. مالیه عمومی به عنوان یک رشته مطالعه، طبق تعریف در حیطه بررسی اقتصاد سیاسی قرار دارد. دانشجوی علم اقتصاد میتواند عملکرد نظام بازار را در داخل مجموعه مشخصی از محدودیت‌ها تحقیق کند. دانشجوی علم سیاست میتواند سازمان‌ها و فرایندهایی را که از طریق آن تصمیمات اجتماعی اتخاذ میگردد بررسی نماید. ولی هنگام بررسی آثار تصمیمات سیاسی یا جمعی بر اقتصاد هر دوی آنها باید تشویک مساعی کنند. بررسی مالیه عمومی در ساده‌ترین و نیز در پیچیده‌ترین سطوح خود باید شامل دو مرحله باشد. ابتدا باید توجه به هدف‌های مبذول گردد که انگیزه رفتار افراد در فرایند سیاسی میشود. به عبارت دیگر باید دید "دولت" در تلاش انجام چه کاری است و کوشش‌هایش در نیل به اهداف خود تا چه اندازه کارآمد است. در مرحله دوم باید دید نهادهایی که برای انجام هدف‌های جمعی سازمان داده شده‌اند چگونه بر رفتار و شرایط افراد در اقتصاد خصوصی یا اقتصاد بازار تاثیر می‌گذارند. این مسائل همیشه مهم بوده‌اند ولی در دوران فعلی که دوران دولت‌های با سازمان وسیع است، اهمیت اضافی کسب می‌کنند.

شرح بالا از دیباچه چاپ چهارم کتاب مالیه عمومی جیمز بوکانان (۱) گرفته شده است و بطور اجمال رشته تحقیق مورد علاقه او را نمایان می‌سازد. پژوهش‌های او در حد فاصل بین اقتصاد و سیاست است. بطور دقیق تر علاقه تحقیقی او در تقاطع انتخاب خصوصی و انتخاب عمومی از طریق فرایند تصمیم‌گیری در مالیه عمومی است.

* دکتر محمد حسین تمدن، دانشیار دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران.

(1) JAMES M. BUCHANAN

جیمز بوکانان در سال ۱۹۱۹ متولد شد و پس از اخذ لیسانس (۱۹۴۰) و فوق لیسانس (۱۹۴۱) در رشته اقتصاد دکترای خود را در سال ۱۹۴۸ از دانشگاه شیکاگو گرفت. وی از سال ۱۹۶۹ تا کنون سمت استاد اقتصاد و سرپرست مرکز مطالعاتی انتخاب عمومی^(۱) در موسسه پلئو تکنیک و پرجینیا را بر عهده دارد. قبل از آن وی استاد اقتصاد در دانشگاه های فلوریدا، و پرجینیا و کالیفرنیا (لوس آنجلس) بوده است. وی در ضمن عضو شورای مشورتی موسسه امور اقتصادی^(۲) در انگلیس است و با موسسه مزبور همکاری علمی جدی دارد.

بوکانان فعالیت علمی و تحقیقاتی خود را روی نوسازی مالیه عمومی و تصمیم گیری جمعی دولتی متمرکز کرده و شوکت موثر در بالا بردن دانش اقتصادی در زمینه رابطه بین ترجیحات انفرادی و انتخاب اجتماعی داشته است. تئوری انتخاب عمومی^(۳) که گاهی از آن به تئوری اقتصادی سیاست و یا برداشت اقتصادی نسبت به سیاست تعبیر میشود، در حقیقت کاربرد تحلیل اقتصادی به قلمرو انتخاب های سیاسی یا دولتی است و طسی آن محقق و ادار میشود مرز موجود بین امور سیاسی و اقتصادی را در نوردد. بوکانان از ۶۸ سال عمر خود حدود ۳۸ سال را بطور عمده وقف تحقیق در همین رشته انتخاب عمومی کرده و جایزه نوبل را بخاطر موفقیت های در همین خط پژوهش بدست آورده است.

بنظر بوکانان بزرگترین اشتباه اقتصاد دانان و از جمله کینزاین بود که وقتی توصیه ای مربوط به سیاست اقتصادی ارائه میدادند چنین می پنداشتند که گیرندگان این توصیه ها لااقل مستبدین خیرخواهی هستند و گوششان برای استماع حرف حساب اقتصاد دانان باز است. ویکسل^(۴) اقتصاددان سوئدی که پژوهشگران انتخاب عمومی وی را از طلایه داران این رشته میدانند، هشدار میداد که تصمیم سیاست اقتصادی باید توسط سیاستمدارانی اتخاذ شود، که مشارکت کنندگان در فرایند قانونگذاری و اجرائی دولتی هستند و هیچ اقتصاددانی نمیتواند این واقعیت ساده را نادیده بگیرد. اقتصاددان نمیتواند (فقط درباره) انگیزه های اقتصادی دست اندرکاران تولید و توزیع کالاها پژوهش کند بلکه باید انگیزه های آنهایی را که درباره سیاست اقتصادی جامعه اتخاذ تصمیم می نمایند مورد تحقیق و روشنگری قرار دهد.

(1) The Center for Study Of Public Choice

(2) Institute Of Economic Affairs

(3) Public Choice Theory

(4) Knut Wicksell

ممکن است اقتصاددان گاهی افزایش خرج وزمانی افزایش مالیات را توصیه کند ولی کسیکه به عنوان نماینده درکنگره نشسته و هدف تجدیدانتخاب خود را در سر می‌پروراند، معمولا "به افزایش خرج رای میدهد چون این افزایش مورد توجه عموم است و بر محبوبیت او می‌افزاید. اما به آسانی حاضر نیست به افزایش مالیات رای بدهد چون مردم از آن پشتیبانی نمی‌کنند و خطر شکست او را در انتخابات بعدی دربردارد. البته این طرز رفتار به افزایش کسری بودجه منتهی میشود که مالا نه بسود رای دهندگان و نه بسود عامه مردم است.

گرایش‌های مبنی و واقعگرایانه که در همه بخش‌های علوم اجتماعی راه خود را باز کرده است باعث شد که رشته جدید "انتخاب عمومی" پس از جنگ جهانی دوم در دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی آمریکا و اروپا موجودیت پیدا کند و در دو دهه اخیر بر سرعت رشد آن افزوده شود.

هریک از نمایندگان این جریان فکری از راه خاص خود به تئوری انتخاب عمومی رسیدند که مربوط به زمینه‌های متفاوت تحقیقات علمی آنها بود. جیمز بوکانان آنطور که خود میگوید به واسطه احساس ناخرسندی علمی از تئوری سنتی مالیه عمومی که در سالهای قبل از جنگ جهانی دوم معمول بود، به سوی خط تحقیقاتی جدید کشیده شد. در آن هنگام در کتاب‌های مالیه عمومی کوچکترین توجهی به فرایندهای تصمیم‌گیری جمعی نمی‌شد. ابتدا بعضی اصول را یادآوری می‌کردند شامل نسخه‌های دستوری که نظام مالی را چگونه باید ترتیب و سازمان داد، تقریبا "همان اصول که از طرف آدام اسمیت در کتاب ثروت ملل عنوان گردیده بود. سپس تحلیل اقتصادی درباره اثرات برنامه‌های مالیات و خرج بر رفتار فردی و گروهی به دنبال می‌آمد. اما اشکال این بود که تصمیمات مالی دولت معمولا "طبق آن اصول دستوری اقتصاددانان اتخاذ نمی‌شد بلکه نتیجه عملکرد و ساختار سیاسی بسیار بفرنج و پیچیده‌ای بود که در آن بسیاری افراد در سطوح متعددی مشارکت داشتند و بنابراین کل مالیه عمومی از نظر علمی ناقص بود.

بوکانان خود میگوید: "برای من کاملا بی‌معنی بود که مالیات‌ها و مخارج عمومی مستقل از ملاحظه فرایند سیاسی (که تصمیمات در مورد دو ستون حساب مالیه عمومی از طریق آن اتخاذ می‌شد) تجزیه و تحلیل شوند. تئوری مالیه عمومی کلا "نمی‌توانست از تئوری سیاست جدا تصور گردد."

بوکانان تصدیق دارد که در رسیدن بنظر بالا به نحو قابل توجهی تحت تاثیر فکری ویکسل از یکطرف و بعضی تئوریسین‌های ایتالیایی مالیه عمومی از طرف دیگر قرار

گرفته است .

یکی از نخستین مقالات بوکانان که در سال ۱۹۴۹ تحت عنوان " تئوری خالص مالیه دولتی، پیشنهاد برای یک برداشت جدید " (۱) در مجله اقتصاد سیاسی منتشر شدن، پانگرو کوشش برای یک متودولوژی بهتر در بررسی مالیه عمومی بود . بوکانان در این مقاله دو مفهوم متمایز دولت را در رابطه با شکل‌گیری تصمیمات سیاسی مورد توجه قرار میدهد . در مفهوم اول دولت به عنوان یک " شخص " وارگانسیم واحد که در تعقیب هدف‌های خاص خود می‌باشد (هدف‌هایی که میتواند با هدف‌های افرادی که تشکیل دهنده جامعه هستند منطبق نباشد) فرض میشود (تئوری ترکیبی و جمعی) . در مفهوم دوم فقط افراد و عناصر متشکله جامعه ، منزله تنها حامل هدف ها متصور میگرددند و دولت را صرفاً " به عنوان وسیله‌ای که از سوی افراد جامعه برای تحقق هدف‌هایشان بکار گرفته میشود تلقی می‌نمایند (تئوری فردگرایانه) . وی نشان میدهد که این دو برداشت نسبت به دولت در نوشته‌های مالیه عمومی از یکدیگر جدا و متمایز نشده‌اند .

تئوری ترکیبی و جمعی در بررسی مخارج عمومی کاربرد یافته است ، درحالیکه تئوری فردگرایانه در بررسی توزیع بارمالیهاتی مورد استفاده قرار گرفته است . این عدم تقارن بنظر بوکانان گرچه در کاربرد عملی مناسب است ولی از لحاظ شکلی کامل بنظر نمیرسد . وی در مقاله مورد بحث شرح و بسط روشنگرانه این تئوری و مقایسه آنها را بعمله می‌گیرد و تکمیل چهار چوب تئوری ترکیبی و جمعی با محتوای تجربی را امری مشکل و حتی محال معرفی میکند .

مقاله "انتخاب اجتماعی ، دموکراسی و بازارهای آزاد" (۲) و بوکانان در سال ۱۹۵۴ و به عنوان تفسیر در مورد کتاب کنت آرو تحت عنوان " انتخاب اجتماعی و ارزش‌های انفرادی " نوشته است .

عکس العمل بوکانان در مورد قضیه عدم امکان آرو بطوریکه خود او میگوید احساس تعجب نبود . نظریه‌ای که نتیجه‌های سیاسی از فرایندی حاصل میگردد که در آن بسیاری مردم مشارکت دارند ، اساساً " چرا کسی باید انتظار داشته باشد که توابع رفاه اجتماعی هم آهنگی و سازگاری داخلی از خود نشان دهند و تناقض در آنها راه پیدا نکنند، بوکانان مینویسد :

(1) The Pure Theory of Government Finance/a suggested Approach (J.P.I) 1949.

(2) Social Choice, Democracy and Free Market (J.P.E./1954)

" به نظر من چنین می‌رسید که اگر ترجیحات انفرادی چنان باشند که یک سیکل یا دوره به وجود آورند (۱) در آن صورت چنین دوره‌ها چنین ناسازگاری باید بر سازگاری ترجیح داده شود زیرا سازگاری منطقی در اینجا به بهای تحمیل اراده بعضی اعضا گروه بر افراد دیگر می‌تواند تامین گردد. "

طی مقاله دیگری در همان سال تحت عنوان "انتخاب فردی در رای گیری و بازار" (۲) بوکانان سعی دارد تفاوت اساسی بین دو نظام رای گیری و بازار را تحلیل کند و آن دو نظام را از شش جنبه :

(الف) - درجه اطمینان . (ب) - درجه مشارکت اجتماعی . (ج) - درجه مسئولیت . (دال) - ماهیت شقوقی که این دو نظام عرضه می‌کنند . (ه) - درجه اعمال جبر و بالاخره (و) - روابط قدرت بین افراد ، مقایسه نماید و قوت و ضعف هر یک را از جنبه های شش گانه بالا نشان دهد و از آنجا موارد احتمالی ترجیح کاربرد هر یک از این دو نظام را روشن سازد .

مرحله بعدی سیر منطقی فکری جیمز بوکانان ، هنگامی است که وی به همراهی گوردون تالوک (۳) در صدد مطالعه عمیق تر قاعده اکثریت در رای گیری برآمد . تالوک خود محقق برجسته در زمینه تئوری رای گیری و انتخاب اجتماعی است . وی در سال ۱۹۵۹ طی مقاله‌ای تحت عنوان "مسائل رای گیری با اکثریت" ثابت کرد که یک سلسله متوالی رای گیری با اکثریت درباره طرح های مخارج دولتی که محل آن از درآمدهای عمومی مالیاتی تامین شده باشد می‌تواند مقدار بودجه را چنان بسط و افزایش دهد که در نتیجه آن وضع همه افراد جامعه حتی نسبت به حالتی که هیچ اقدام جمعی مخارج دولتی صورت نگرفته باشد بدتر شود .

(۱) - پدیده موسوم به پارادوکس رای گیری از مدت‌ها پیش شناخته شده بود . در این رابطه محقق انگلیسی بنام . دنکان بلک (D. Black) در سالهای پنجاه به ترتیب دقیق تری روشن ساخته است که انتقال از ارزشهای انفرادی به نتیجه جمعی از راه تشخیص اکثریت آراء حتی در ساده ترین اشکال خود منجر به تناقض می‌شود و پدیده ای بنام "اکثریت دوره ای" بوجود می‌آورد به نحوی که هیچ پیشنهاد یا موضوع مورد اختلاف یا کاندیدای نمایندگی که بتواند در یک سلسله متوالی رای گیری جفتی در تمام موارد حائز اکثریت شود ، امکان وجود ندارد ،

(2) Individual Choice in Voting and the Market (J.P.E./1954)

(3) Gordon Tulluck

بوکانان و تالوک طی همکاری علمی شریبخش خود با بررسی شقوق دیگر قواعد رای گیری و نیز با تلاش در ایجاد تئوری اقتصادی قوانین اساسی سیاسی توانستند کتاب خود تحت عنوان "حساب رضایت ، مبانی منطقی دموکراسی مبتنی بر قانون اساسی" (۱) را در سال ۱۹۶۲ منتشر سازند که بزودی موفقیت و معروفیت زیادی کسب کرد . در این کتاب مولفین از فرضیات عادی اقتصادی ، در زمینه رفتار افراد جهت بحث اکثر رسانیدن مطلوبیت خودشان استفاده کردند و کوشیدند قواعد مشخص تصمیم گیری جمعی را که میتواند از مذاکرات و تبادل نظرها در سطح قانون اساسی نتیجه شود معرفی نمایند .

بوکانان و تالوک برای آنکه به توضیح خود وجهه منطقی بدهند لازم داشتند طریقی پیدا کنند که از نفع قابل تشخیص فردی به چیزی که بتواند جای " نفع عمومی " را بگیرد دسترسی یابند . آنها دو تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که وجود عدم اطمینان درباره سرنوشت نفع شخصی ، افراد عقلانی را وادار می سازد که از ایجاد قواعد پارتیتیبات یا قوانین اساسی که " منصفانه " جلوه کند پشتیبانی کنند و آنرا برد بگر راه حل ها ترجیح دهند . این موضع گیری نزد بوکانان و تالوک منجر به دفاع از محدودیت های مبتنی بر قانون اساسی بر روی اکثریت ها میشود و اعمال دموکراسی مبتنی بر اکثریت را تحت قیودی دومی آورد .

بعدا " در سال ۱۹۷۵ جیمز بوکانان به تنهایی کتابی تحت عنوان " محدودیت های آزادی: بین آنارشی و لویاتان " (۲) که میتوان آنرا مکمل کتاب " حساب رضایت " دانست منتشر کرد و در آن یک نوع تئوری قرار دادی دولت را مورد دفاع قرار داد . در این کتاب وی قانون را به عنوان یک سرمایه عمومی معرفی کرد و ضمن توجه به یک تئوری نهادی اهمیت دقت در تنظیم قوانین اساسی را جهت به وجود آوردن شرایط نهادی مناسب برای تامین آزادی های همگان تاکید نمود . باید اضافه کرد که کاربرد الگوهای رای گیری مبتنی بر اکثریت بر تصمیم گیری های مالیه عمومی قبلا " در کتاب دیگر بوکانان تحت عنوان " مالیه عمومی در فرایند دموکراتیک " (۳) منتشر در سال ۱۹۶۷ مورد بحث قرار گرفته بود .

جیمز بوکانان در کلیه رشته های اقتصاد بخش عمومی و مالیه عمومی تحقیقات وسیع کرده و نظرات تازه و مبتکرانه ابراز نموده است .

(1) The Calculus Of Consent /Logical Foundations Of Constitutional Democracy (1962).

(2) The Limits Of Liberty/Between Anarchy and Leviathan (1975).

(3) Public Finance in Democratic Process (1967).

کتاب " اصول کلی قرضه عمومی " (۱) (۱۹۵۸) او بررسی این شاخه مهم اقتصاد مالیه عمومی را بر پایه تئوریک محکم تر استوار کرده است (۲).

کتاب دیگرش تحت عنوان " تقاضا و عرضه کالاهای عمومی " (۱۹۶۸) هنوز یک مرجع کلاسیک در این زمینه است. مقاله ابتکاریش در زمینه " تئوری اقتصادی باشگاه ها " (۱۹۶۵) مسئله ازدحام در مصرف کالاهای عمومی را در حالت خاص طرح و حل می کند. بوکانان تصدیق دارد که در تحلیل جامع کالاهای عمومی علاوه بر جنبه تقاضا لازم است به موضع عرضه کنندگان کالاها و خدمات عمومی نیز توجه کامل مبذول داشت. این عرضه کنندگان همانا مسئولین سیاسی و اداری هستند که خود آنها از قاعده رفتار برای بحد اکثر رسانیدن مطلوبیت تبعیت می نمایند. بوکانان میگوید منظور انتقاد از مسئولین سیاسی و اداری نیست. فرض این نیست که آنها آدمهای بدی هستند بلکه فقط اینکه آنها نیز انسانهای طبیعی میباشند و تفاوت اساسی با من و شما در این زمینه ندارند.

کتاب " دموکراسی در کمبود، ارثیه سیاسی لرد کینز " (۳) که جیمز بوکانان به همراهی ریچارد واگنر در سال ۱۹۷۷ انتشار داد، حاوی تحلیل روشنی از نتایج عملی سیاست های پیشنهادی کینز در کشورهای نظام بازار است. در این کتاب به وضوح نشان داده میشود که حتی اگر تحلیل های کینز در باره روش عملکرد نظام اقتصادی بپذیریم فواید سیاسی دموکراتیک باعث خواهد شد که نسخه های توصیه سیاست اقتصادی کینز، کار بردها و نتایج غیر متقارنی ببار آورد. در حقیقت تحلیل کینز با نابود ساختن محدودیت بودجه متوازن، گرایش بازگشت ناپذیری به سوی کسوف بودجه، بسط عرضه پول و رشد بخش عمومی بوجود آورده است. مسئولین سیاسی طبعاً تمایل دارند که بیشتر خرج کنند و از اخذ مالیات اجتناب ورزند. حذف محدودیت بودجه متوازن، به مسئولین سیاسی مزبور امکان میدهد این احساس کاملاً طبیعی خود را پیش از پیش ارضاء نمایند.

بعداً " همین اندیشه ها را بوکانان در رساله ای تحت عنوان " عواقب آقای کینز " (۴) در سال ۱۹۷۸ با همکاری جان بوتن و ریچارد واگنر با توجه به واقعیات محیط سیاسی انگلیس منتشر (ساخت).

(1) Public Principles Of Public Debt (1958)

(2) The Demand and Supply Of Public Goods (1968)

(3) Democracy in Deficit/The Political Legacy Of Lord Keynes (1977)

(4) The Consequences Of Mr. Keynes (1978).

در بسیاری کتابها، رسالات و مقالات خود، بوکانان به ساختار نهادهای اقتصادی که انسانها در چهار چوب آن با منظور داشتن توابع مطلوبیت خود عمل می‌کنند توجه جدی مبذول داشته است. انتقاد کلی وی به تئوری اقتصادی معاصر این است که بیش از حد روی موضوع کارآئی تخصصی تکیه کرده و آنقدر که باید به ساختار نهادها توجه ننموده است. به عقیده او اکنون نشانه‌هایی مبنی بر بازگشت به نوع تحلیل ادام اسمیت که روی ساختار نهادها تاکید مینمود به چشم می‌خورد. این به یک معنی بمنزله تجدید حیات اقتصاد نهادی (۱) تحقیق در رفتار انفرادی در چهار چوب این ساختارها و پیش‌بینی عواقب و نتایجی است که محصول عمل انسانها در داخل این ساختارها می‌باشد. برای انجام این برنامه باید تحلیل تحقیقی از طرز کار شقوق گوناگون ساختارهای نهادی داشته باشیم.

جیمز بوکانان از اقتصاد دانان نادری است که افق فکری وسیع دارد و در مسائل اساسی روش شناسی و فلسفه اقتصاد و دیگر علوم اجتماعی صاحب نظر است. مقالات و کتب او حاوی روشنگری‌های بسیاری در بیشتر مسائل متنازع فیه در اقتصاد و اخلاق و سیاست و دیگر علوم اجتماعی است و مادر پایان این بررسی مختصر از فعالیت‌های علمی این برنده جایزه نوبل اقتصاد به بخشی از مقاله جالب او بنام "اقتصاد و همسایگان علمی آن" (۲) که در مجموعه مقالات نویسندگان مختلف تحت عنوان "ساختار علم اقتصاد" (۳) منتشر شده است اشاره کوتاهی می‌نمائیم. در این بخش مقاله بوکانان نظر خود را درباره اینکه علم اقتصاد به همسایگان علمی خود چه میدهد و از آنها چه می‌گیرد بیان می‌دارد به عقیده او علم اقتصاد به مهندسی یک طرز تلقی را، به تاریخ قیود و اجبارها را، به علوم انسانی چاشنی واقعیت را، به حقوق محدودیت‌ها را، به ریاضیات کاربردها را، به علوم طبیعی طریق ارزش گذاری را، به علوم سیاسی تئوری را، به روانشناسی آزمون را و به آثار مسائل راه‌دهی میدهد. از طرف دیگر علم اقتصاد مهندسی هشدار، از تاریخ امید، از علوم انسانی الهام، از حقوق چهار چوب، از ریاضیات زبان، از علوم طبیعی اخلاقیات لازم برای دانشمند، از علوم سیاسی داده‌ها، از روانشناسی عامل بازدارنده

(1) Institutional Economics

(2) Economics and its Scientific Neighbours

(3) The Structure Of Economic Science (1966)

و از آن طریق راه برطرف می‌گردد .

در توضیح این امر که علم اقتصاد به علوم سیاسی تئوری می‌دهد ، بوکانان چنین ———
 یادآوری میکنند : " پیشرفت‌های مهم تئوریک در توضیح پدیده‌های سیاسی بطور عمده
 توسط پژوهشگرانی بدست آمده است که با برداشتی همانند برداشت اقتصاددانان عمل
 می‌کنند . دلیل این امر واضح است . سنت دانشمند سیاست هیچگاه این نبوده است که
 نوعی تئوری رفتار انسانی را در ساختار فرایند سیاسی وارد سازد . برای وی " تئوری "
 هیچگاه متضمن پیش‌بینی نبوده است . برعکس تئوری سیاسی همواره به بحث دستوری
 فلسفی درباره اهداف و منظورهای نظم سیاسی پرداخته است . از این سنت نمی‌توان
 یافتن علم تحقیقی را انتظار داشت .

از طرف دیگر اقتصاددان به رفتار انسان که در همگامی باهمنوعان خود و ضمن
 نوعی ترتیبات سیاسی برای رسیدن به تصمیمات جمعی می‌کوشد بذل توجه می‌کند و طی
 این توجه از یک اصل موضوع اساسی رفتاری حاضر و آماده استفاده می‌نماید اقتصاددان
 قادر است با کاربرد این اصل موضوع رفتاری ، پیش‌بینی‌هایی به عمل آورد و فرضیاتی
 ارائه دهد که از لحاظ تصویری ابطال پذیر است . البته اقتصاددان آگاهی کامل دارد که
 ارزش پیش‌بینی احکامش در این زمینه خیلی کمتر از احکام متناظر مربوط به رفتار انسان
 در رابطه دقیقاً " تعریف شده بازار می‌باشد . وی آماده است این واقعیت را بپذیرد که
 " توضیح " او از سیاست خیلی از مرحله کمال دوواست . ولی باز می‌تواند ادعا نماید که
 برای سیاست ، یعنی برای طریقی که انسانها در تصمیم‌گیری جمعی رفتار و عمل می‌کنند
 یک تئوری در اختیار دارد .

تخصیص جایزه نوبل به بعضی اقتصاددانان در سالهای گذشته گاهی برای برخی
 ناظران غیر منتظره و شگفت‌جلوه کرده بود ، ولی در این مورد حتی بانگاهی به مندرجات
 اجمالی صفحات بالا شاید چنین احساس شود که جایزه نوبل اقتصاد در سال ۱۹۸۶ به
 شخصیت کم صلاحیتی اعطا نشده است .